

باشد، مرد میدان ارتباط با مردم و مبارزه فکری و اجتماعی بود.

■ پدافندی در برابر شبهات

زندگی هاشمی‌نژاد را نمی‌توان در شمار سخنرانی‌ها و دستگیری‌ها و مسئولیت‌های سیاسی‌اش خلاصه کرد. مبارزات سیاسی تنها بخشی از هویت و رسالت حوزوی او نبود. رسالتی که در پیوند حوزه علمیه با جامعه تعریف می‌شد و معتقد بود اگر حوزه را جامعه‌فاصله بگیرد، بخشی از رسالت خود را دست داده است.

او عالمی بود که علم را از متن جامعه جدا نمی‌دید. برای او منبر فقط محل بیان احکام و موعظه نبود و حوزه تنها مدرسه‌ای برای تحصیل فقه و اصول محسوب نمی‌شد. از همان سال‌های نخست حضورش در مشهد، تلاش کرد پاسخ‌گویی به پرسش‌های نسل جوان، نقد اندیشه‌های رقیب، روشنگری سیاسی و حضور اجتماعی را در این حوزه تقویت کند. آموزش دینی قرار دهد. همین ویژگی بود که او را به یکی از چهره‌های اثرگذار نهضت اسلامی در خراسان تبدیل کرد.

هاشمی‌نژاد برای رسیدن به این هدف، واری تحصیل و تدریس و تألیف و منبر و خطابه، به میان جامعه رفت. به پرسش‌های جوانان پاسخ داد، در مبارزات سیاسی حضور یافت و حتی در ساختارهای سیاسی نقش آفرینی کرد. میدان مبارزه او تنها جبهه‌های جنگ و خیابان‌ها نبود؛ میدان اصلی مبارزه او در ذهن جوانانی می‌دید که زیر بهمان بار امان‌الشبهات زمینگیر شده بودند.

■ جبهه‌ای مهم‌تر از جنگ

با شروع جنگ تحمیلی در مناطق جنگی حاضر می‌شد و برای رزمندگان سخن می‌گفت، اما افضای ملت‌پس سال ۱۳۶۰ در داخل کشور و درگیری‌های سیاسی و ایدئولوژیکی که به خشونت و ترور کشیده می‌شد، جبهه دیگری بود که حضور او را می‌طلبد؛ جبهه فعالیت سیاسی و روشنگری درباره جریان‌های مخالف انقلاب که روز رز هر چه‌چهره‌های برجسته انقلاب را یکی پس از دیگری هدف حملاتش قرار می‌داد.

هاشمی‌نژاد در این جبهه از مهم‌ترین چهره‌های جریان انقلابی و در خط مقدم مبارزه در مشهد بود و جان‌ش را نیزین راه گدازد. صبح هفتم مهر ۱۳۶۰ طبق روال معمول در محل دفتر حزب جمهوری اسلامی خراسان حضور یافت و کلاس درسش را برگزار کرد. اندکی بعد، هنگام خروج از محل حزب در خیابان عشرت‌آباد منهدن با انفجار نارنجک یکی از منافقین، شهادت را در آغوش کشید.

درس آخر

او هنگام شهادتش تنها ۴۹ سال داشت و تقارن این روز با سالروز شهادت امام جواد(ع) برای شاگردان و نزدیکانش که از ارادت خاصش به آن امام آگاه بودند، معنای ویژه‌ای داشت. پیکرش پس از تشییع در مشهد، در حرم مطهر امام رضا(ع) رواق دارالسلام به خاک سپرده شد تا در جوار مضجع رضوی آرام بگیرد.

امام خمینی (ره) به مناسبت شهادتش نوشت: «من آن تردید با او و خصال و تعهدش آشنا و آن را لمس کرده بودم و مراتب فضل و مجاهدت او بر اشخاص آشنا پوشیده نیست» و رهبر شهید انقلاب هم گفتند: «یک فرد سیاسی کاملاً روشن بین که خط سیاسی اش به معنای واقعی کلمه همان چیزی بود که ما به آن می گوئیم خط امام...».

در سالروز شهادت سید عبدالکریم هاشمی نژاد، نگاهی داشته‌ایم به زندگی او که مشهد را کانون نهضت کرد

مرد میدان و منبر



بازداد. این دستگیری پس از ۴۱ روز حبس در زندان شهرستانی کل کشور و چندین بار تحقیق و بازجویی از سوی سازمان اطلاعات و امنیت کشور به پایان رسید.

یکی از معروفترین صحنه‌های مبارزات او در مشهد، ماجرای مسجد فیل است؛ جایی که سخنرانی هاشمی‌نژاد به اقدام نیروهای امنیتی انجامید و تلاش مأموران برای دستگیری او با مقاومت و حضور گسترده مردم در اطراف مسجد و اعتراض به دستگیری این روحانی مبارز مواج شد.

مرد سیاست

با پیروزی انقلاب اسلامی، فصل تازه‌ای آغاز شد؛ فصلی که دیگر مبارزه با رژیم گذشته مسئله اصلی نبود و مسائل مربوط به ساختن نظام جدید، حل و فصل اختلافات سیاسی، دفاع مقدس و تثبیت انقلاب پیش روی نیروهای انقلابی قرار گرفت.

سوی مردم مازندران به مجلس خبرگان قانون اساسی راه یافت و در این دوره در مباحث مربوط به تدوین قانون اساسی شرکت فعال داشت.

س از آن نیز دبیری حزب جمهوری اسلامی در خراسان
 ابرامعه گرفت و برخلاف بسیاری از چهره‌های سیاسی،
 مسئولیت‌های اجرایی را نپذیرفت تا بر فعالیت تشکیلاتی
 جذب جوانان در حزب جمهوری اسلامی خراسان
 تمرکز شود. انتخابی که با شخصیت سال‌های مبارزه‌اش
 نیز سازگار بود و بیش از آنکه اهل میز و ساختار اداری

مازمن کتابخانه‌های آستان قدس رضو

ست و غیرت

ساز زیاد است. بنابراین تنه‌اره حل را در
 هم چنگ انداخت....».

نوی کاخ خود

ماره ۱۳۴۱ روزنامه اطلاعات به تاریخ
 ۱۳۴۱ به عنوان «نوه امام در جبهه و صدام
 بخشی از توضیح این مطلب و در صفحه
 ده است: «و در این تکیه‌ای که ارتش
 ون نقشی پیشاهنگ دارند و پیشاپیش
 یا جمعی از طلاب حوزه علمیه قم و دیگر
 صدا، مبرّی از هر تظاهر و تبلیغی، همان
 چنگ شده است... برای چنین حکومتی
 وجود نوه امام در جبهه جنگ و خط
 برنده‌تر و مؤثرتر است...».

انسان‌های
 ده‌ها بیلیون
 تومان
 سه‌ه‌ا استفاده
 صدا انقلاب در
 ایران ناسیونال

کوهی در چوچال در

■ تدفین پیکر مطهر خلبان شهید در کنار مرقد مقدس حضرت
ثامن الائمه (ع)

روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۲۵۱ به تاریخ چهارشنبه ۹ مهر ماه ۱۳۵۹ در صفحه چهارمطلبی با عنوان «جنازه [پیکر] خلبان شهید در کنار مرقد مطهر حضرت ثامن الائمه(ع) به خاک سپرده شد» چاپی کرد. در توضیح این خبر این گونه آمده است: «...جنازه [پیکر] سرگرد شهید خلبان علی خوش نیت که در جنگ با لشکریان کفر و الحاد، به مقام رفیع شهادت نائل شده است، ساعت ده بامداد دیروز، در میان تأثر و افتخار هزاران تن از طبقات مختلف مردم مشهد، به طرز باشکوهی داخل بیمارستان لشکر ۷۷ خراسان تا صحن امام خمینی (حرم مطهر امام رضا(ع)) در دوش مردم تشییع شد و پس از انجام مراسم مذهبی در صحن آزادی، در کنار مرقد مطهر حضرت ثامن الائمه(ع) به خاک سپرده شد.»

۶۸ پزشک و پرستار داوطلب مشهدی به جبهه می‌روند

با مرور روزنامه اطلاعات (چاپ سوم) نسخه شماره ۱۶۲۵۸ به تاریخ ۱۷ مهرماه ۱۳۵۹ و در صفحه چهار آن به مطلبی با عنوان «۶۸ پزشک و پرستار داوطلب مشهدی به جبهه می‌روند» برمی‌خوریم. در توضیح این مطلب این گونه نوشته شده

پرسش‌هایی پاسخ دهد که بسیاری از جوانان تحصیلکرده آنان‌ها مواجه بودند. حساسیت ویژه اسناد ساواک به سخنان هاشمی‌نژاد در این جلسات، نشان‌دهنده اثرگذاری فوق‌العاده‌اش بود.

و برای بخشی از جوانان مشهود به مرجع فکری تبدیل شده بود. جلسات کانون، منبرهای عمومی، کتاب‌ها و ارتباط مستقیم با دانشجویان و جوانان، شبکه‌ای از مخاطبان ایجاد کرده بود که بعدها بخش‌هایی از آنان در جریان انقلاب فعال شدند. و واقعاً در کنار مجاهدانی مثل شهید سیدعلی خامنه‌ای پیش از آنکه انقلاب برسد، انقلاب فکری را در مشهد رقم زد.

■ عالم داستان نویس

هاشمی نژاد می‌دانست که برای اثرگذاری بر نسل جدید، صرفاً تکرار ادبیات معمول منبر کافی نیست. به همین دلیل به سراغ نوشتن، گفت‌وگو و پاسخ‌گویی مستقیم به پرسش‌های نسل جوان رفت.

یکی از مشهورترین آثار او «منظره دکتر و پیر»، کتابی با صبغه داستانی است که گفت‌وگویی درباره مسائل مختلف اعتقادی، اجتماعی و فکری میان دو شخصیت را مطرح می‌کند. هاشمی نژاد به عنوان یک عالم برجسته دینی در این کتاب تلاش کرد مفاهیم دینی را با زبان قابل فهم‌تری وارد گفت‌وگوی فکری روزگار خود کند.

آثار دیگری هم درباره اصول اعتقادی، مشکلات جوانان، مسائل اجتماعی، کمونیسم و سرمایه‌داری، نهضت امام حسین (ع) و دیگر مسائل دینی و اجتماعی او بر جای مانده است، اما شاید تفاوت بارز این بود که جوان را صرفاً مخاطب موعظه نمی‌دانست؛ بلکه او را طرف گفت‌وگو می‌دید.

نسلی که در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ با اندیشه‌های مارکسیستی،

عراق، به جا مانده است. این عکس را خبرگزاری پارس گرفته است...».

■ نه آب می‌خواهیم و نه نان، اسلحه به ما برسانید

در صفحه سه نسخه شماره ۹۰۳۳ روزنامه خراسان به تاریخ پنجشنبه سوم مهرماه ۱۳۵۹ در مطلبی با عنوان «نه آب می‌خواهیم و نه نان، اسلحه به ما برسانید.» به نقل قول از فرمانده ژاندارمری [او انیز به نقل قول از ژاندارها] این گونه آمده است: «... من در چند روز پیش که در قصر شیرین و سرپل ذهاب در پایگاه‌ها بوم به خصوص پایگاه‌هایی که خیلی درگیر بودند به علت وضعیت عملیاتی، اوقات اتفاق می‌افتد که تدارکات مشکل است، می‌پرسیم از این ژاندارها که در سنگر بودند که شام چه می‌خواهید؟ آب... نان... قلان...؟ می‌گفتند اسلحه و مهمات برسانید. نه آب می‌خواهیم و نه نان. این نمونه روحیه [است]...».

این تاکسی برای نیروهای مسلح، مجانی است

روزنامه کیهان در صفحه سه نسخه شماره ۱۱۱۴۷ با تاریخ یکشنبه دوم آذر ۱۳۹۵ یککسی با عنوان «این تاکسی برای نیروهای مسلح مجانی است» در زبر این عکس، این گونه نوشته شده است: «... اینکه برادری ارتشی و یا پاسدار، تصادفاً سوار تاکسی می شود و موقع پیاده شدن، من به او بگویم: «متشکرم برادر، اگر ایه نمی خواهم» و اینکه دو تومن یا سه تومن از او بگیرم یا بگیرم، مهم نیست، منم ایست که من دلم، را شورم و عشقم را به میهن اسلامم، به نهنگبانان، تمامیت این در تاکسی ما با خود به این طرف می کشم»

این طرف سوار می مهم این که بگویم: برادرم! این تاکسی برای نیروهای مسلح مجانی است، خدا پشت و پناهت! بالاخره پیروز خواهیم شد...»

■ جنگ عراق با ایران، چرا؟

روزنامه خراسان، شماره ۹۰۳۴، به تاریخ چهارم مهر ۱۳۵۹هـ در مقاله‌ای در صفحه سه با تیتر درشت نوشت: «جنگ عراق با ایران، چرا؟». در بخشی از این مقاله آمده است: «... انقلاب اسلامی ایران، بزرگ‌ترین نهاد تهدیدکننده حکومت بعثی عراق بوده و هست. رژیم عراق وضع داخلی خود را از سوی جمهوری اسلامی ایران در خطر می‌دید و می‌دانست انقلاب ایران، دست‌افزار نیرومندی در دست انقلابیون عراق، برای شروع مبارزات ضعیفی خواهد بود و با این برهه به راحتی انقلاب در عراق گسترش یافته وضع دیگر خواهد شد. بعث عراق می‌دانست از سوی، ایران، تهدودی‌اش بسیار ضعیف بوده و از سوی دیگر، کاربرد انقلاب اسلامی ایران، در میان

محمد ولایی شهید هاشمی نژاد از جمله علمایی بود که با وجود عمر کوتاه و اقامتی کوتاه‌تر در مشهد، به یکی از اثرگذارترین چهره‌های انقلاب اسلامی در این شهر تبدیل شد. هفتم مهرماه و سالروز شهادت سیدعبدالکریم هاشمی نژاد، بهانه‌ای است برای بازخوانی زندگی او.

■ از کوهستان تا مشهد

سیدعبدالکریم سال ۱۳۱۱ در بهشهر به دنیا آمد و از ۱۴ سالگی راهی حوزه علمیه روستای کوهستان شد تا شخصیت علمی و اخلاقی اش در دست آیت الله محمد هوشستانی شکل بگیرد. پس از مقدمات، برای ادامه تحصیل راهی قم شد و ۱۴ سال در حوزه علمیه‌ای تحصیل کرد که جریان های مختلف علمی و فکری در حال شکل گیری بود. هاشمی نژاد جوان از محضر آیت الله بروجردی و امام خمینی (ره) بهره برد و پای درسی مثل محمد صدوقی و سیدرضا صدر نیز نشست و مدت کمی را هم در نجف به تحصیل پرداخت. در ۲۷ سالگی به درجه اجتهاد رسیده بود که مقصدش را مشهد قرار داد و در این شهر علاوه بر تدریس و تبلیغ، درس آیت الله میلانی را هم درک کرد.

هاشمی نژاد در شمار روحانیانی بود که مطالعات خود را به درس و علوم حوزوی محدود نکرد و مطالعات زیادی هم در علوم مختلف و توجه به مسائل فکری و اجتماعی روز داشت و تلاش کرد میان معارف حوزوی و پرسش های جامعه ارتباط برقرار کند.

از این رو درس و بحث او نیز به طلاب و حوزه علمیه محدود نشد و بیشتر بحث‌ها و کلاس‌های درسش با اقشار جوان و به‌ویژه دانشجویان بود و برخی کتاب‌های او محصول همین جلسات و درس‌ها هستند.

سال‌های حضور هاشمی‌نژاد در قم تنها به تحصیل نگذشت. او همپای نهضت اسلامی امام خمینی (ره) که در همین محیط و در همین سال‌ها آرام‌آرام شکل اجتماعی و سیاسی‌اش را پیدا می‌کرد، رشد کرد تا با آغاز نهضت امام، فعالیت سیاسی‌اش را در عرصه سخنرانی و روشنگری آغاز کند و خیلی زود طعم دستگیری و زندان را بچشد.

■ کانون بحث و انتقاد دینی

سال ۱۳۴۰ نقطه عطفی در زندگی او بود؛ هاشمی نژاد به مشهد مهاجرت کرد و یکی از مهم‌ترین مراکز دینی ایران به میدان فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی او تبدیل شد؛ شهری با وجود حرم مطهر امام رضا(ع)، حوزه‌ای قدیمی و جمعیتی که رابطه عمیقی با روحانیت و نهادهای مذهبی داشت.

اما در کنار این ظرفیت دینی، نسل جوان تحصیلکرده نیز با پرسش‌هایی تازه روبرو بود؛ پرسش‌هایی درباره نسبت اسلام با علم و تمدن، نظام سیاسی، عدالت اجتماعی، اندیشه‌های غربی، مارکسیسم و حتی اصل دین. هاشمی‌زاد با بخش بزرگی از انرژی خود را صرف همین مباحث می‌کرد.

هاشمی‌زاد با سعه صدر، آرا و افکار مخالفان را می‌شنید و به بحث و مناظره با آن‌ها می‌پرداخت. او پیش از مبارزه با افراد صاحب شبهه، به استقبال شبهه می‌رفت و با شبهات مبارزه می‌کرد. جلسات بحث و گفت‌وگو او درباره مسائل اعتقادی و اجتماعی در مشهد، به شکل گنجینه مرکزی با نام «کانون بحث و انتقاد دینی» انجامید که در آن مسازای به یکی از مراکز ارتباط روحانیون و جوانان تبدیل شده بود.

جلسات کانون بحث و انتقاد دینی تلاش می‌کند به

محمدحسین مروج کاشانی | «...یاد حماسه دفاع مقدس باید همیشه در

کشور ما باقی ماند و جاودانه باشد...» این بخشی از سخنان رهبر حکیمیه و شهید حضرت آیت الله العظمی سیدعلی حسینی خاکنای (ره) درباره بزرگداشت یاد و خاطره حماسه هشت سال دفاع مقدس در دیدار جمعی از خانواده شهداست. (منبع: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر شهید (ره)، به تاریخ ۱۳۸۸/۰۳/۰۳) ارتباط با همین موضوع و به منظور بررسی برخی از اخبار و گزارش های مربوط به دوران هشت سال دفاع مقدس ملت ایران، سری به بخش تالار و پژوهش مطبوعات در مدیریت امور اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی در مجاورت حرم مطهر امام رضا(ع) زدیم. آنچه در ادامه می خوانید بخش هایی از مطالب منتشر شده از آن دوران، موجود در آرشیو روزنامه ها و مطبوعات این مدیریت است.

■ اخطار شدید امام خمینی (ره) به صدام حسین

در صفحه دو روزنامه خراسان مورخ سه‌شنبه اول مهر ماه ۱۳۹۷ در قسمتی:
: «مطلبی با عنوان «اخطار شدید امام خمینی به صدام حسین» و به نقل
از رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت
امام خمینی (ره)، این گونه آمده است: «...امروز من صدای منحوس صدام
را شنیدم، یعنی بیانی‌هاش را شنیدم. ایشان معلوم می‌شود که تازه مسلمان
شده است. برای اینکه به حضرت امیر حضرت علی بن ابیطالب و حضرت
امام حسین (سلام الله علیهما) تشبیه کرده و مردم را می‌خواهد دگر
بزنند...» (مبارزه صدام حسین از اول وقتی که روی کار آمد، تنبه دادم که
این دیوانه است) و لهذا با دیوانگی دارد عمل می‌کند و خودش را به هلاکت
می‌رساند...».

■ سنگر به سنگر، سینه به سینه، جنگ با دشمن

روزنامه اطلاعات، صفحه هفت از نسخه شماره ۱۶۲۵۴ خود به تاریخ یکشنبه ۱۳ مهر ماه ۱۳۹۵ را به چاپ گزارش مصور: از جبهه‌های جنگ با عنوان «سنگر به سنگر، سینه به سینه، جنگ با دشمن» اختصاص داد. در بخشی از این گزارش و در زیر یک عکس این گونه نوشته شده است: «...مهاجمان مورد و ناجوانمرد بعث عراق برخلاف انسانیت و انصاف و جوانمردی و علیرغم مقررات و موازین این مللی، مناطق سکونی را مورد هدف قرار داده و از گلوله‌باران کردن و بمباران خانه‌ها و ساختمان‌های مردم بی دفاع شهرها و روستاها دریغ نکردند. این صحنه‌ای است از شهر و خانه‌های مردم سرپل ذهاب که پس از بمباران میگ‌های مهاجم مزدوران ناجوانمرد و نامسلمان بعث

